

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه ارومیه

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

گروه زبان و ادبیات فارسی

پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد

موضوع:

سیمای حضرت رسول اکرم (ص) در آثار منشور عرفانی

با تأکید بر اللمع ، شرح تعرف ، ترجمه رساله قشیریه ، کشف المحجوب ، کیمیای سعادت ، اسرار التوحید ،  
مرصادالعباد و مصباح الهدایه

استاد راهنما:

دکتر محمد امیر عبیدی نیا

نگارنده :

سمیه سلیم پور

بهمن ماه ۱۳۹۰

حق چاپ برای دانشگاه ارومیه محفوظ است.

تقدیم به

ساحت مقدس خواجه و سرور هر دو جهان حضرت محمد (ص) که شرف و افتخار بشریت به وجود او است

و

پدر و مادر عزیزم که با صبر و پشتیانیشان امید به موفقیت را در من زنده نگه داشتند

و

همسر مهربانم که بدون یاری او تمام این پایان نامه میسر نبود

و

همه ی کسانی که دوستان دارم.

## تقدیر و تشکر

خدای بزرگ را شاکرم که این بنده را مشمول عنایت خویش قرار داد تا بتواند این نوشتار را علی رغم کاستی هایی که دارد به پایان برساند. بی شک پس از درنوردیدن وادی پرفراز و نشیب دانش، رسیدن به سرمنزل مقصود و چیدن ثمره ارزشمندتر است پس از خدا می خواهم تا پیشکش ناقابل من چراغی هر چند کم نور در دست پژوهشگران و دوست داران ادب این مرزوبوم باشد. اینجانب با وجود تمام سعی و تلاشی که برای هرچه مفیدتر بودن مطالب این نوشتار انجام داده ام اذعان می دارم که خالی از خلل نمی باشد .

هم چنین با تأسی از فرموده گرانقدر پیام آور مهر که فرمود : هرکس که از او علم می آموزید دربرابرش متواضع و فروتن باشید، خاضعانه از کلیه استادان محترم خود: پروفیسور فاطمه مدرسی، آقایان دکتر مظفری، دکتر کوشش، دکتر نزهت، دکتر طلوعی آذر، دکتر نظریانی، دکتر خان محمدی، و خانم دکتر مهوش واحد دوست که در دوران تحصیل از محضرشان بهره ها برده ام و بالاخص از استاد راهنمای محترم، جناب آقای دکتر عبیدی نیا که با راهنمایی های دلسوزانه و کلام گویبارشان به من نیروی مضاعف دادند، نهایت سپاس و قدردانی را به عمل می آورم.

درخاتمه لازم می دانم مراتب سپاس خود را نثار خانواده ام مخصوصاً پدر و مادر عزیزتر از جانم و همسر مهربانم و خواهران دلسوزم (نیشتمان، ثریا، سونیا) و برادران عزیزم (مبین و متین) که صمیمانه مرا همراهی نمودند و مشوق من در راه تحصیل علم بوده اند و هم چنین دوستان خوبم ، خانم پاشاپور، مهدوی، حسنونند، اختیاری، طاهری، دهقانی و دیگر دوستان بنمایم.

پژوهش حاضر تحقیقی است در باب سیمای حضرت رسول اکرم (ص) در آثار منشور عرفانی، از قبیل اللمع، شرح تعرف، اسرار التوحید، ترجمه رساله قشیریه، مرصاد العباد، کشف المحجوب، کیمیای سعادت و مصباح الهدایه. ما در این پژوهش برآنیم تا جایگاه خاص و شخصیت والا و گرانقدر خواجه و سرور دو عالم را لربذو هم چنین میزان تأثیر پذیری آثار منشور عرفانی را از پیامبر اکرم (ص) تبیین نماییم. هر چند توجه به مقام والای انبیای الهی و جنبه های گوناگون اخلاقی و تربیتی آنان همواره مورد عنایت ویژه عرفا و صوفیه قرار داشته و بخش عظیمی از ادبیات منظوم و منشور را به خود اختصاص داده است، اما از میان انبیای الهی پیامبر اکرم (ص) به عنوان دردانه عالم هستی که مظهر انسان کامل است تقریباً بر ذهن و فکر عرفا و صوفیه نقش پررنگ و قابل توجهی داشته است. هدف ما در این پژوهش، بررسی نحوه و میزان تأثیرپذیری این عرفا و صوفیه از شخصیت حضرت محمد (ص) است. با وجود آن که کلام و گفتار پیامبر اکرم (ص) یکی از موضوعات مهم مورد استناد عرفا در تبیین آرا و عقایدشان است، تقریباً می توان گفت که در بیشتر این آثار، احادیث و اقوال آن حضرت مطرح شده است و کمتر به دیگر جنبه های زندگی او از قبیل تولد و ازدواج و ... پرداخته شده است. ضرورت آشنایی هر چه بیشتر نسبت به پیامبر اکرم (ص)، با توجه به این نکته که آن حضرت بهترین الگویی است که همگان به تبعیت از او می توانند به بالاترین قله های صفات و سجایای نیک اخلاقی و در حقیقت به سعادت دنیوی و اخروی دست یابند، لزوم اهمیت این پژوهش را بر همگان، آشکار می کند.

این پایان نامه دربرگیرنده مواردی از سیرت و مکارم اخلاق پیامبر اکرم (ص) و تبیین جایگاه پیامبر (ص) در نظام آفرینش و کمالات وجودی آن حضرت و هم چنین ارتباط معنوی که پیامبر (ص) با خالق هستی برقرار می کرده است، می باشد. علاوه بر این از بعضی یاران و نزدیکان پیامبر (ص) که ارتباط نزدیک با آن حضرت داشته اند، نیز سخن به میان آمده است.

کلید واژه: نثر، صوفی، رسول اکرم، اللمع، شرح تعرف، ترجمه رساله قشیریه، کشف المحجوب، کیمیای سعادت، اسرار التوحید، مرصاد العباد، مصباح الهدایه

## فهرست مطالب

مقدمه	۱
فصل اول:	۳
کلیات	۳
۱-۱- تعریف نثر	۴
۱-۱-۱ پیشینه تاریخی نثر	۴
۱-۱-۲ مراحل تطور نثر	۵
۱-۱-۳ اقسام نثر	۵
۱-۲- معنی صوفی	۶
۱-۲-۱ وجه اشتقاق صوفی	۷
۱-۲-۲ علم تصوف و تاریخچه آن	۷
۱-۲-۳ تأثیر شریعت در تصوف	۸
۱-۳- نثر صوفیه	۱۰
۱-۳-۱ ابو نصر سراج	۱۰
۱-۳-۲ مستملی بخاری	۱۱
۱-۳-۳ ابوالقاسم قشیری	۱۲
۱-۳-۴ هجویری	۱۳
۱-۳-۵ محمد غزالی	۱۵
۱-۳-۶ محمد بن منور	۱۶
۱-۳-۷ نجم الدین رازی	۱۸
۱-۳-۸ عزالدین محمود کاشانی	۲۰
فصل دوم:	۲۲
جایگاه پیامبر (ص) در نظام آفرینش	۲۲
۱-۲- حقیقت محمدی یا روح محمدی	۲۳
۲-۲- نور محمدی	۲۵
۳-۲- پیامبر (ص) ابوالارواح است و آدم (ع) ابوالبشر است	۲۸

فصل سوم:..... ۳۰

کمالات وجودی پیامبر(ص)..... ۳۰

۱-۳- پیامبر (ص) قافله سالار بشریت..... ۳۱

۲-۳- تفضیل محمد (ص) بر انبیای الهی..... ۳۲

۳-۳- محمد (ص) خاتم انبیای الهی..... ۳۷

۴-۳- محمد (ص) شفیع روز قیامت..... ۳۸

۵-۳- معجزات پیامبر (ص)..... ۴۰

۳-۵-۱- قرآن..... ۴۲

۳-۵-۲- معراج..... ۴۳

۳-۵-۳- به حرف آمدن بزغاله مسموم :..... ۴۷

۳-۵-۴- نالیدن ستون حنانه:..... ۴۷

۳-۵-۵- سلام کردن جمادات:..... ۴۷

۳-۵-۶- بودن کلاغ، موزه پیامبر (ص) را :..... ۴۷

۳-۵-۷- بی سایگی پیامبر (ص):..... ۴۸

۳-۵-۸- گفتگو و دیدار غیبی رسول (ص) با خبیب :..... ۴۸

۳-۵-۹- دیگر معجزات پیامبر :..... ۴۸

۳-۶- محمد (ص) الگوی حسنه..... ۴۹

۳-۷- پیامبر (ص) مقرب ترین بندگان..... ۵۶

۳-۸- بلند همتی پیامبر (ص)..... ۵۸

۳-۹- نسبت داشتن کارهای محمد (ص) به خدا..... ۵۸

۳-۱۰- تفکر و دانائی پیامبر (ص)..... ۶۱

۳-۱۱- وفات پیامبر (ص)..... ۶۳

فصل چهارم:..... ۶۶

سیمای اخلاقی پیامبر (ص)..... ۶۶

اخلاق پیامبر (ص)..... ۶۷

۴-۱- تواضع و فروتنی پیامبر (ص)..... ۷۰

۴-۲- رحمت پیامبر (ص)..... ۷۴

- ۷۷ ..... ۳-۴- فقر پیامبر (ص).....
- ۸۲ ..... ۴-۴- زهد و ساده زیستی پیامبر (ص).....
- ۸۶ ..... ۵-۴- کرامت و بخشندگی پیامبر (ص).....
- ۹۰ ..... ۶-۴- گشاده رویی و مزاح پیامبر (ص).....
- ۹۳ ..... ۷-۴- حزن پیامبر (ص).....
- ۹۴ ..... ۸-۴- صبر و شکیبایی پیامبر (ص).....
- ۹۷ ..... ۹-۴- مجاهده نفس پیامبر (ص).....
- ۹۹ ..... ۱۰-۴- شکرگزاری پیامبر (ص).....
- ۱۰۰ ..... ۱۱-۴- طلب روزی پیامبر (ص).....
- ۱۰۲ ..... ۱۲-۴- اخوت و هم نشینی پیامبر (ص).....
- ۱۰۶ ..... ۱۳-۴- عدالت پیامبر (ص).....
- ۱۰۸ ..... ۱۴-۴- گذشت و بخشایش پیامبر (ص).....
- ۱۱۲ ..... ۱۵-۴- محبت پیامبر (ص).....
- ۱۱۵ ..... ۱۶-۴- حیا پیامبر (ص).....
- ۱۱۵ ..... ۱۷-۴- صداقت و راستگویی پیامبر (ص).....
- ۱۱۷ ..... ۱۸-۴- توکل پیامبر (ص).....
- ۱۱۹ ..... ۱۹-۴- توبه پیامبر (ص).....
- ۱۲۰ ..... ۲۰-۴- عزت نشینی پیامبر (ص).....
- ۱۲۳ ..... ۲۱-۴- ادب پیامبر (ص).....
- ۱۲۴ ..... ۲۲-۴- آداب مسافرت های پیامبر (ص).....
- ۱۲۶ ..... ۲۳-۴- آداب طعام خوردن پیامبر (ص).....
- ۱۲۸ ..... ۲۴-۴- خوف و رجای پیامبر (ص).....
- ۱۳۰ ..... ۲۵-۴- رفتار پیامبر (ص) با همسران خویش.....

### ۱۳۴ ..... فصل پنجم:

#### ۱۳۴ ..... ارتباط پیامبر (ص) با خدا.....

- ۱۳۵ ..... ۱-۵- پیامبر (ص) و عبودیت.....
- ۱۳۷ ..... ۲-۵- پیامبر (ص) و نماز.....
- ۱۴۱ ..... ۲-۵- ۱- وضو.....



۱۴۱	..... ۲-۲-۵- خلوص نیت
۱۴۱	..... ۳-۲-۵- خشوع در نماز
۱۴۲	..... ۴-۲-۵- نماز جماعت
۱۴۳	..... ۵-۲-۵- نماز شب
۱۴۳	..... ۶-۲-۵- نماز مستحب
۱۴۴	..... ۳-۵- پیامبر (ص) و قرآن
۱۴۷	..... ۴-۵- پیامبر (ص) و روزه داری
۱۵۰	..... فصل ششم:
۱۵۰	..... خویشاوندان، اصحاب و یاران پیامبر (ص)
۱۵۱	..... منزلت و فضیلت اصحاب پیامبر (ص)
۱۵۳	..... ۱-۶- فاطمه زهرا (س)
۱۵۴	..... ۲-۶- عایشه صدیقه (رض)
۱۵۵	..... ۳-۶- ابوبکر صدیق (رض)
۱۶۰	..... ۴-۶- عمر فاروق (رض)
۱۶۳	..... ۵-۶- عثمان ذی النورین (رض)
۱۶۵	..... ۶-۶- علی مرتضی (رض)
۱۶۸	..... ۷-۶- بلال حبشی
۱۶۹	..... ۸-۶- سلمان فارسی
۱۷۱	..... ۹-۶- اویس قرنی
۱۷۳	..... نتیجه گیری:
۱۷۶	..... فهرست آیات قرآن
۱۸۱	..... فهرست احادیث عربی پیامبر (ص)
۱۸۶	..... فهرست منابع و مأخذ
۱۸۹	..... چکیده انگلیسی

## علايم اختصاري

ر.ک	رجوع کنيد به
ج	جلد
ص	صفحه
صص	صفحات
ه.ق	هجري قمری
رض	رضی الله عنه (يا عنها يا عنهم)
(ص)	صلى الله عليه
(ع)	عليه السلام
(س)	سلام الله عليه يا عليها

## تشریح موضوع و بیان مسأله

این پایان نامه ثمره یک سال تحقیق و مطالعه در باب سیره و سیمای رسول اکرم (ص) در آثار منثور عرفانی است. اینجانب به دلیل علاقه خاصی که به موضوعات عرفانی داشتم با پیشنهاد استاد راهنما، بررسی سیمای سیره و جایگاه حضرت ختمی مرتبت، محمد مصطفی (ص) را در آثار منثور عرفانی موضوع کار خود قرار دادم.

سیمای پیامبر اکرم در بسیاری از آثار منثور عرفانی ادب فارسی به نحو شایسته ای بازتاب یافته است، که گویای علاقه مندی و دلباختگی نویسندگان آثار عرفانی به آن حضرت است. نشان دادن برتری های پیامبر اعظم (ص) و تأکید بر بخشندگی و عدالت و محبت و دیگر کمالات اخلاقی و همچنین تبیین جایگاه آن حضرت در نظام آفرینش و تبیین رفتارهای عبادی آن حضرت و ضرورت معرفت بیشتر آن حضرت، یکی از موضوعات مهم و اساسی قابل بررسی در ارتباط با شخصیت و سیمای حضرت محمد (ص) است.

## پیشینه تحقیق

در مورد پیشینه تحقیق و پژوهش حاضر باید خاطر نشان کرد که در زمینه تحقیقات ادبی در موضوعات گوناگون پژوهش هایی انجام گرفته است. ولی به جهت مطالعه در منابع موجود، نتایج حاصل شده حاکی از آن است که پژوهش هایی که در باب سیمای حضرت محمد (ص) انجام شده، بیشتر در زمینه آثار منظوم فارسی و در ارتباط با معراج و مقایسه آن حضرت با دیگر انبیای الهی بوده است. و در زمینه آثار منثور هم، به صورت موردی و جداگانه در کشف الاسرار به بررسی سیمای پیامبر (ص) پرداخته شده است.

## اهمیت و ضرورت انجام تحقیق

با توجه به این نکته که دیگر پایان نامه هایی که در مورد آثار منثور عرفانی نگاشته شده بود، بیشتر ناظر به جنبه های ادبی و سبک شناسی آن آثار بوده است، باید گفت تحقیق این جانب با اهداف و رویکردی که دارد و به بررسی و مقایسه هشت کتاب منثور عرفانی که از جمله مهم ترین و ارزشمندترین آثار منثور عرفانی هستند در نوع خود بی سابقه است.

## دشواری های تحقیق

در ابتدا با نظر استاد راهنما، آقای دکتر عبیدی نیا قرار بر این بود که بررسی بازتاب سیمای پیامبر (ص) تنها با تأکید بر سه اثر منثور صوفیه یعنی مرصادالعباد، ترجمه رساله قشیریه، و اسرارالتوحید، انجام گیرد، اما در طی مراحل مطالعه و فیش برداری به دلیل کمبود مطالب در باب سیمای اخلاقی و کمالات وجودی آن حضرت و مشاهده این امر که به غیر از مرصادالعباد که مباحث عرفانی شیوایی در باب شفاعت خواهی

پیامبر(ص) در روز قیامت، تفضیل محمد (ص) و خاتمیت او و ... دارد، دو کتاب دیگر، غیر از تعدادی آیه و حدیث، به دیگر مباحثی که در ارتباط با زندگی و سیمای آن حضرت باشد، اشاره ای نشده بود، در نهایت با بهره گیری از نظرات عالمانه استاد راهنما، چندین اثر منثور عرفانی دیگر نیز مورد بحث و بررسی قرار گرفت.

### روش تحقیق

روش کار در این تحقیق بر اساس مطالعه و فیش برداری بوده است. به نحوی که ابتدا آن آثار را به طور کامل مطالعه کرده و بر اساس فیش برداری از مباحث گردآوری شده، و تجزیه و تحلیل های لازم، در هفت فصل طبقه بندی گردید. در این پایان نامه علاوه بر این که سیمای پیامبر (ص) در آثار منثور عرفانی مورد بحث و بررسی قرار گرفته، سعی بر این بوده که با بررسی و مطالعه کتب سیره که سیمای تاریخی پیامبر (ص) در آن بازتاب یافته، و مقایسه تطبیقی آن آثار، برای انطباق با آن چه در آثار صوفیه نمود یافته، نیز استفاده شود. البته برای غنای تحقیق از نظرات اندیشمندان غربی نظیر گیور گیو و اندیشمندان اسلامی نظیر دکتر هیکل، شیخ صفی الرحمان مبارکفوری و ابو الحسن ندوی استفاده شد. و با بهره گیری از نظر استاد راهنما، مبنی بر مطالعه دو کتاب حدیث به نام های نهج الفصاحه و ترجمه فارسی ریاض الصالحین، سعی بر این بود که تا حد ممکن، احادیث موجود در این آثار و شباهت یا تفاوت تعبیر آن احادیث مورد بررسی قرار گیرد. همچنین برای غنای هر چه بیشتر پایان نامه، از احادیث حضرت علی در نهج البلاغه تا آنجا که در ارتباط با وصف کمالات حضرت رسول (ص) بود، استفاده شد. ذکر این نکته لازم است که مطالب کشف الاسرار و دو اثر تذکره الاولیا و الانسان الكامل عزیز الدین نسفی که به صورت محدود در ارتباط با پیامبر (ص) مطالبی را آورده اند، نیز از نظر دور نماند.

### فرضیه های تحقیق

۱- حضرت محمد (ص)، به عنوان مظهر انسان کامل، در آثار منثور عرفانی حضور بارز و چشمگیری دارد. ۲- عرفا و صوفیه، احادیث و رفتار و کمالات اخلاقی حضرت محمد (ص) به بهترین نحو ممکن در آثار منثور خود بازتاب داده اند. ۳- تأثیر پذیری عرفا و صوفیه در زمینه تعلیمات عرفانی از شخصیت حضرت محمد (ص) در بالاترین حد ممکن است. ۴- عرفا و صوفیه، برای سندیت بخشیدن به موضوعات مورد بحث خود، به کلام نبوی بسیار تأکید می کنند.

### اهداف تحقیق

هدف ما در این پژوهش، شناساندن سیمای حضرت رسول و بررسی دیدگاه ها و میزان تأثیرپذیری این عرفا و صوفیه از شخصیت حضرت محمد (ص)، با تأکید بر این نکته که کلام و گفتار پیامبر اکرم (ص) یکی از موضوعات مهم مورد استناد عرفا در تبیین آرا و عقایدشان است، می باشد. ضرورت آشنایی هر چه بیشتر نسبت به پیامبر (ص) و نشان دادن مقام شامخ حضرت رسول اکرم از زبان نثرنویسان فارسی، با توجه به این نکته که پیامبر (ص) بهترین الگویی است که همگان به تبعیت از او می توانند به بالاترین قله های صفات و سجایای نیک اخلاقی و در حقیقت به سعادت دنیوی و اخروی دست یابند، از اهداف مهم این پژوهش به حساب می آید.

# فصل اول:

## کلیات

از آنجا که هدف این رساله، تبیین و توضیح آثار منشور صوفیه، در ارتباط با زندگی و احوال نبی مکرم اسلام، محمد مصطفی (ص) است، لازم به نظر می آید که ابتدا به صورت مختصر مطالبی را پیرامون تعریف نثر و پیشینه و اقسام آن و در ادامه مطالبی در باب تعریف صوفی و اصل تصوف و نثر صوفیه و ... با استناد به گفته های بزرگان و نخبگان این فن نظیر دکتر عبدالحسین زرین کوب، دکتر حسین خطیبی، استاد عباسعلی عمید زنجانی و دیگران، بیان کنیم.

## ۱-۱- تعریف نثر

دکتر زرین کوب در تعریف نثر بیان می دارد که: « آن چه در زبان اهل ادب نثر خوانده می شود سخنی است که در قید وزن و آهنگ قراردادی معمول در شعر محدود نیست. اما محاوره عادی هم تا وقتی که متضمن یک تعبیر ادبی نباشد نثری که در مقابل شعر باشد نیست. تعبیر ادبی امریست که بین شعر و نثر مشترک است و آن هر دو را از زبان محاوره ممتاز می کند و سخن را خواه موزون باشد و خواه نباشد از محدوده ادراکات و تعبیر ادبی بیرون می آورد. »<sup>۱</sup>

دکتر زرین کوب در ادامه می افزاید: « اشتهال بر تعبیر ادبی در کلام موزون یا غیر موزون تقریباً به یک گونه، روح زندگی و طبیعت و اخلاق انسانی را منعکس می کند و آن را از آن چه در تقریر نیازهای هر روزینه انسان می آید و قابلیت ضبط و نقل ندارد، جدا می دارد. »<sup>۲</sup>

### ۱-۱-۱- پیشینه تاریخی نثر

گنجینه عظیم ادبیات فارسی، مشتمل بر نظم و نثر است. مقارن پیدایش اولین نمونه های شعر دری، نثر فارسی نیز همگام با آن یا کمی دیرتر، ذخایری ارزنده از خود به به میراث گذاشته است. دکتر زرین کوب در باب اولین اثر منشور، اظهار می کند که: اولین نمونه نثر فارسی تا آنجا که مشتمل بر جنبه ادبی باشد ظاهراً قدری دیرتر از اولین نمونه های شعر فارسی به وجود آمده است. مروری بر نثر فارسی مشخص می سازد که نثر پا به پای شعر اما غالباً با گام هایی محجوب تر و تردید آمیز در طی قرن های طولانی، سراسر قلمرو ادب فارسی را می پیماید و آن را وسعت و غنا می بخشد. قلمرو نثر هر چند وسعت حیطة شعر فارسی را ندارد باز وسعت قابل ملاحظه ای دارد، چنانکه عرصه وسیع نثر فارسی، در زمینه تربیت و اخلاق از قابوس نامه تا اخلاق ناصری و در معارف صوفیه از کشف المحجوب تا مرصاد العباد، در همه انواع شیوه ها تنوع قابل ملاحظه ای دارد.<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup> - زرین کوب، ۱۳۸۳، ص ۲۷

<sup>۲</sup> - همان، ص ۲۸

<sup>۳</sup> - همان، تلخیص صص ۳۷ - ۱۹

دکتر زرین کوب معتقد است که: قدیمی ترین نمونه موجود نثر فارسی که در عین حال هم از آن چه تعبیر ادبی خوانده می شود خالی نیست و صرفاً متضمن نوعی علم و ابداع داهیان است تقریباً از دوره سامانیان فراتر نمی رود. دکتر زرین کوب در ادامه در باب علل تأثیر گذار بر رونق و رواج نثر فارسی در دوره سامانیان اظهار می کند که: در قلمرو سامانیان در عین وجود زبان ها و آیین های دیگر، زبان فارسی دری و آیین مسلمانی جنبه رسمی داشت. تنوع ادیان و فرهنگ ها و نیز اتحاد با متشرعه و فقها و ارتباط با حوزه خلافت بغداد که مشاجرات مذهبی در آنجا شیوعی تمام داشت و همچنین وجود جمعیت های یهود و نصارا تا حدی تصادم و تعارض بین آراء و عقاید را سبب می شد و تسامح نسبی سامانیان هم به برخورد این گونه عوامل، آغاز پر ثمری را در زمینه نثر فارسی در این دوره نوید می داد. در بین این جریان ها، فکر احیای فرهنگ و تاریخ باستانی، احساس ضرورت برای شرح و تفسیر کتاب و سنت و اندیشه تلفیق بین عقل و ایمان مخصوصاً منجر به تصنیف کتاب هایی در تفسیر و کلام و تصوف و پاره ای علوم عقلی گشت.<sup>۱</sup>

با انقراض سامانیان، و به دنبال سختگیری های ترکان، فکر احیای فرهنگ ایرانی فراموش شد و بیشتر آن چه به وجود آمد کتب مربوط به سیرت پادشاهی بود. در عهد سلجوقی بیشتر مکاتبه بین صوفیه و علما رواج داشت. نامه های شیخ ابوسعید ابوالخیر که در جواب دوستان نوشت، از همین مقوله است. نامه نویسی در نزد صوفیه وسیله ای برای نشر تعالیم عرفانی تلقی می شد. لازم است بدانیم آثار صوفیه در بین قدیم ترین نمونه های نثر فارسی مرتبه ممتازی دارد.<sup>۲</sup> در باب کتب منشور صوفیه در بخش های دیگر این فصل به صورت گسترده بحث می کنیم.

### ۱-۱-۲- مراحل تطور نثر

دکتر حسین خطیبی در باب مراحل پیدایش و پیشرفت نثر از محاوره به نثر مکتوب، بیان می دارد که: « نثر مکتوب، در دوره ای که اقوام و ملل، در مسیر تمدن مرحله را پیموده باشند پدید می آید و در پی آن نثر با پیوستگی تمام به لغت محاوره و سپس به تدریج با اصلاح و تهذیب آن همراه با گزینش و انتخاب آغاز می شود و پیش می رود تا آن را که در درجات کمال به صورت فنی در می آید که هم نظم نیست و هم از لغت مخاطب به صورتی که هست پیروی نمی کند و در این مسیر به تدریج از این دور و بدان نزدیک می شود.

تجربه و آثار موجود در السنه مختلف نشان می دهد که در میان اقوام و ملل مختلف، معمولاً دوره کودکی نثر، مصادف با دوره بلوغ و رسایی شعر است. در ایران بعد از اسلام نیز، نثر نویسی به فارسی دری، زمانی آغاز شد که شعر مرحله از دوره تطور و کمال خود را پیموده بود.<sup>۳</sup> «

### ۱-۱-۳- اقسام نثر

<sup>۱</sup> - زرین کوب، ۱۳۸۳، تلخیص صص ۱۰۱ - ۹۹

<sup>۲</sup> - همان، صص ۱۴۴-۱۴۰

<sup>۳</sup> - خطیبی، ۱۳۶۶، ص ۵۱

دکتر خطیبی، با تأکید بر نظر متقدمان در باب انواع تقسیم بندی های نثر می گوید: در قرون اولیه هجری متقدمان از ارباب ادب و بلاغت عرب، نثر را به خطابه و ترسل تقسیم می کردند و چنان که پیداست درین تقسیم بندی، تنها به اغراض نثر نگریسته و به اسالیب و الفاظ توجه نداشته اند، در ادوار بعد نیز که دایره اغراض نثر وسعت یافت باز این تقسیم بندی همچنان در کتب بلاغت و ادب معمول بود. در ادوار بعد، بعضی از محققان به تقسیم نثر از حیث اسالیب و الفاظ نیز پرداخته اند، چنان که ابن خلدون در کتاب (مقدمه)، نثر را به مسجع و مرسل تقسیم کرده است. برخی دیگر نیز نثر را به انواع موجز و به تعبیر خود موزون بدون قافیه و مسجع، یعنی مقفی بدون وزن و عاری، یعنی بدون وزن و قافیه تقسیم کرده اند.<sup>۱</sup>

دکتر خطیبی در ادامه هیچ یک از این تقسیم بندی ها را جامع و کامل نمی داند. او نثر را با توجه به آثار گوناگون و شیوه های متنوعی که هم در زبان عربی، و هم در زبان فارسی، در طی قرون متمادی داشته است به انواع مختلف نثر محاوره و نثر خطابه و نثر مرسل و نثر فنی تقسیم می کند. دکتر خطیبی می گوید: نثر محاوره را باید اولین مرحله از مراحل نثر به شمار آورد و تنها این نوع از نثر است که می توان آن را با سلب ممیزات نظم، تعریف و تعبیر نمود؛ زیرا نه در انتخاب الفاظ و نه در بیان معنی، ضوابط و قیودی وجود ندارد.

در نثر خطابه، برای نخستین بار ضوابطی خاص کلام را محدود و مقید می سازد و همین مشخصات است که نثر خطابه را در حد فاصل بین نثر محاوره و نثر مکتوب مرسل جای می دهد در نثر خطابه، گوینده مفید ترین و اصیل ترین و خوش آهنگ ترین را برمی گزیند و در پاره ای از موارد، در ترکیب سخن بعضی نکات فنی را نیز مراعات می نماید.

نثر مرسل نخستین قسم از اقسام نثر مکتوب به شمار می آید که در حقیقت فن نثر بدان آغاز می شود. در این مرحله است که فن نثری در برابر فن نظم به وجود می آید. وجه امتیاز نثر مرسل از محاوره و سپس خطابه در آن است که نویسنده از میان الفاظ و لغات مختلف با رعایت قواعد خاص علم بلاغت، لفظی را که هم در بیان معنی مناسب تر و هم در رشته نثر جایگزین تر و هم با الفاظ مجاور مرتبط تر باشد، بر می گزیند. لفظ در نثر مرسل هر چند هدفی جز بیان معنی ندارد اما مانند نثر های مصنوع بیان گر ارزش فنی نیست.

در نثر فنی، نویسنده برای بیان معنی، کوتاه ترین راه را انتخاب نمی کند بلکه خواننده را از راه خود به راهی طویل پیش می برد. در نثر فنی، به خلاف نثر مرسل، روش کلام اطناب است. در این نوع نثر، معانی در پرده ای از الفاظ و ترکیبات و صنایع لفظی پوشیده و نهفته است. گاه کیفیت گزینش الفاظ و ترکیبات به صورتی است که مجال پرداختن به معنی را از خواننده سلب می کند.<sup>۲</sup>

## ۱-۲- معنی صوفی

<sup>۱</sup> - خطیبی، ۱۳۶۶، تلخیص صص ۵۱ و ۵۲

<sup>۲</sup> - همان، تلخیص صص ۵۲-۶۰



تقریباً در تمامی کتب معتبر صوفیه، نظیر اللمع و رساله قشیریه و کشف المحجوب و مصباح الهدیه و ... مطالبی شبیه به هم، در باب صوفی آمده است. اما ما در اینجا، گزیده ای از نظرات و مباحث دکتر زرین کوب را که جامع و کامل تمام مباحث صوفیه در این زمینه است می آوریم.

دکتر زرین کوب در کتاب ارزش میراث صوفیه در معرفی صوفیه می گوید: « صوفیه جماعتی بوده اند از مسلمین که اساس کار آن ها در عمل مبتنی بر مجاهدات مستقل فردی بوده است و در علم بر معرفت مستقیم قلبی. درست است که بعضی از آن ها با وجود اعتقاد به ارتباط بلاواسطه با حق و درعین اتکاء بر کشف و شهود شخصی، متابعت از شریعت را نیز به منزله مقدمه و شرط راه نیز لازم شمرده اند. صوفیه به سبب استقلالی که در عمل و طریقت خویش داشته اند هم متشرعه که اهل سنت و جماعت بوده اند خود را از آن ها کنار می کشیده اند هم علما که اهل معرفت عقلی و استدلالی بوده اند آن ها را گمراه می شناخته اند. اسم صوفی البته در روزگار پیامبر متداول نبوده است و صوفیه که تاریخ طریقت را تا دوران پیغمبر بالا می بردند می گویند صحابه شرف صحبت رسول را بر هر عنوان دیگر ترجیح می داده اند در صورتی که در بین صحابه کسانی بوده اند که در واقع زاهد و عارف و اهل فقر بوده اند. »<sup>۱</sup>

### ۱-۲-۱- وجه اشتقاق صوفی

دکتر زرین کوب در باب اشتقاق لفظ صوفی و ریشه آن اظهار می کند که: « اهل تحقیق در باب وجه اشتقاق صوفی اختلاف دارند. بیشتر صوفیه بی آن که به قواعد اشتقاقی پایبند باشند، این لفظ را مشتق از صفا دانسته اند. بعضی آن را به صفه ( صفة مسجد مدینه) که اصحاب صفه و پیشروان صوفیه، در آن جا پناه یافته بودند منسوب پنداشته اند.

آن چه قدمای صوفیه گفته اند و قاعده اشتقاق هم بر آن موافقت دارد، این است که صوفی از صوف به معنی پشم گرفته شده است. در هر حال با اینکه پشمینه پوشی اختصاص به صوفیه نداشته است، این اشتقاق را محققان بیشتر می پسندند. »<sup>۲</sup>

### ۱-۲-۲- علم تصوف و تاریخچه آن

ابن خلدون در کتاب مقدمه، در تعریف علم تصوف می گوید: « این دانش از علوم شرعی جدید در ملت اسلام است. و اساس آن، این است که طریقه این گروه همواره در نزد سلف امت و بزرگان صحابه و تابعان و آنان که پس از ایشان بوده اند، شیوه حق و عدالت شمرده می شده است و اصل آن ملازم شدن و روی آوردن به عبادت و توجه به خدای تعالی و اعراض از هر آن چه عموم بدان روی آورند، است، مانند دوری از خلق و پناه بردن به کنج خلوت برای عبادت است. »<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup> - زرین کوب، ۱۳۷۳، صص ۳۹-۳۳ و نیز رک: عمید زنجانی، ۱۳۶۷، ص ۱۲۹

<sup>۲</sup> - همان، ص ۴۰ و نیز رک: هجویری، ۱۳۸۹، صص ۴۹-۴۲؛ کاشانی، ۱۳۸۷، صص ۳ و ۲؛ ابن خلدون، ۱۳۵۲، صص ۹۶۹ و ۹۶۸

<sup>۳</sup> - ابن خلدون، ۱۳۵۲، ص ۹۶۸

دکتر عباسعلی عمید زنجانی نیز در تعریف تصوف اظهار می کند که: « از جنبه نظری باید تصوف را یک نوع ایدئولوژی مخصوص دانست که عده ای تحت شرایط خاص زندگی برای به دست آوردن حقایق ماوراءالطبیعه و توجیه اسرار جهان هستی از راه عقل و برهان و علوم از آن پیروی می کنند. و راه صحیح را در طریق کشف و شهود و اشراق و الهام می پندارند. <sup>۱</sup> »

اما در باب تاریخچه علم تصوف، بسیاری، ریشه های تصوف را در ایران قبل از اسلام در آیین هندی می دانند. <sup>۲</sup> و در ایران بعد از اسلام، اولین نمودهای تصوف بعد از وفات پیامبر (ص)، کم کم در زندگی مسلمانان خود را نشان داد. دکتر عمید زنجانی معتقد است که: در زمان حیات پیامبر (ص)، افراط و تفریط هایی که در بعضی از مواقع از بعضی مسلمان ها سر می زد مورد انتقاد شدید رسول (ص) واقع شده و پیغمبر (ص) از شیوع و ادامه آن جلوگیری به عمل می آورد. ولی مدتی بعد از وفات پیامبر (ص) کم کم مسلمانان رویه پسندیده اسلام را ترک گفته و راه انحراف در پیش گرفتند و جز عده معدودی در راه اعتدال، ثابت قدم نماندند. شاخصه اصلی دوران بعد از وفات پیامبر که تا قرن دوم هجری ادامه داشت، زهد افراطی و پشت پا زدن به شئون زندگی عادی بود. در این مدت نام و رسمی از تصوف و صوفی و مسائل نظری و سایر مبانی و عقاید صوفی گری در میان نبود.

از نیمه دوم قرن دوم هجری تا نیمه دوم قرن سوم، تصوف مراحل ابتدایی خود را می پیمود و اصول و تعالیم آن از یک زهد افراطی و رهبانیت و صورت ساده ای از باطن جوئی شریعت اسلام تجاوز نمی کرد. ذوالنون مصری در اواخر قرن دوم علناً از تصوف سخن به میان آورد و در زمان سری سقطی اساس و اصول اولیه آن مشخص گشت.

از نیمه دوم قرن سوم با فوت سری سقطی، تصوف به دست جنید بغدادی سپرده شد. جنید بغدادی را باید بنیان گذار نهضت نوین تصوف در قرن سوم و چهارم دانست. اکثر مشایخ و صوفیان، از تربیت شدگان جنید بغدادی می باشند. افکار و گفتار مشایخ این دوره معمولاً به صورت مطالب ذوقی و یک نوع عقیده به کشف و شهود دور می زند که در مقایسه با افکار و گفتار اولیه کاملاً بی سابقه و نو ظهور به نظر می رسد.

در اوایل قرن چهارم هجری با فوت جنید بغدادی و سایر هواداران و بنیان گذاران نهضت جدید تصوف، منحنی تکاملی تصوف به پایان رسید. از قرن پنجم به بعد، بار دیگر سیر تکاملی تصوف به سرعت آغاز گردید و در طی قرن های پنجم و ششم و هفتم یک سلسه تحولات در آن به وقوع پیوست و رونق و نفوذ و توسعه صوفی گری به حد اعلای خود رسید و به صورت لطیف ترین افکار شاعرانه در غالب اشعار و غزل های سحر آمیز مولانا و عطار و ... جلوه نمود. <sup>۳</sup>

### ۱-۲-۳- تأثیر شریعت در تصوف

<sup>۱</sup> - عمید زنجانی، ۱۳۶۷، ص ۱۶

<sup>۲</sup> - همان، ص ۲۵

<sup>۳</sup> - همان، تلخیص صص ۲۲۳-۱۲۹ و نیز ر.ک: زرین کوب، ۱۳۸۳، صص ۵۶-۲۶

از مهم ترین عوامل تأثیرگذار در ادب صوفیه، تأکید بیش از حد آنان بر قرآن و سنت پیامبر (ص) برای نشان دادن درستی ادعایشان است. آنان برای این منظور نسبت خود را به صحابه عصر پیامبر (ص) می‌رسانیدند.

دکتر زرین کوب، در کتاب تصوف ایرانی در منظر تاریخی آن عنوان می‌کند که: «همه طریقت‌های صوفیانه، پشتوانه روحانی خود را از طریق ابوبکر (رض) یا علی (ع) به شخص محمد (ص) می‌رسانند. این امر نه تنها نشان می‌دهد که آنان سعی داشتند سنت‌های آیینی خود را به همان منبع و مأخذ مستند کنند که سنت‌گرایان درست آیین می‌کردند، بلکه بیان‌کننده این دعوی آنان است که وارث تعالیم باطنی پیامبرند.»<sup>۱</sup>

دکتر زرین کوب در ادامه می‌افزاید: «صوفیان ادعا می‌کردند که تعالیم محمد (ص) دوگانه بود: مخاطب تعالیم ظاهری همه مسلمانان بودند در صورتی که تعالیم باطنی تنها برای شماری از صحابه نزدیک برملا شد. صوفیان وانمود می‌کردند که علم باطن را از اصحاب نزدیک پیامبر (ص) به ارث برده‌اند، چه به عقیده آن‌ها مشایخ ایشان به آن صحابه متصل بودند.»<sup>۲</sup>

دکتر زرین کوب در کتاب جستجو در تصوف ایران، تأثیر شریعت را در رشد و ادامه طریقه صوفیه، تأثیری غیر قابل انکار می‌داند و اظهار می‌کند که صوفیه تعالیم خود را همان تعالیم قرآن و سنت تلقی می‌نموده‌اند. او می‌گوید: «قول به تأثیر مذاهب متکلمین و حتی قول به نفوذ پاره‌یی از عقاید و افکار ایرانی، که اصل برخی از مذاهب هم هست، در پرورش یا پیدایش برخی عقاید و آداب صوفیه، به هیچ وجه نقش اسلام و قرآن را که منشأ واقعی تصوف است در این باره نفی نمی‌کند. تصوف، عرفان اسلامی بود و سیرت صحابه مخصوصاً قرآن و حدیث منشأ اصلی آن شمرده می‌شد حتی صوفیه نسبت فرقه و سابقه آداب و رسوم خود را از طریق صحابه به پیغمبر می‌رسانیدند. و غالباً طریقه خود را عبارت از پیروی دقیق از سیرت و شریعت رسول تلقی می‌نمودند. اینکه ائمه و فقهای بزرگ دنیای اسلام مثل امام شافعی و امام غزالی به طریقه صوفیه با نظر تأیید نگریده‌اند نشان می‌دهد که اهل شریعت این طریقه را خارج از تعالیم قرآن نمی‌دانند.»<sup>۳</sup>

زرین کوب در ادامه می‌افزاید: «صوفیه تکریم و تعظیم فوق‌العاده‌ای برای حضرت محمد (ص) قائل‌اند و او را «انسان کامل» تلقی کرده‌اند. و این تعظیم و تکریم، یکسره مربوط به بعد از حیات پیامبر نیست بلکه غالباً حاصل عشق و ارادت مخلصانه و بی‌شایبه‌ای است که صحابه وی در حقیقت داشته‌اند. بدین گونه تصوف اسلامی، هم در شکل معتدلی که در تعالیم غزالی دارد و هم در شکل افراط آمیزی که در کلام ابن عربی پیدا کرده است به پیروی از سنت و سیرت رسول مبتنی است.»<sup>۴</sup>

دکتر علی اصغر حلبی نیز، در باب تأکید بیش از حد عرفا و صوفیه بر کتاب و سنت، اظهار می‌کند که: «بسیاری از صوفیان، طریقت خود را بر کتاب و سنت عرضه می‌کردند، آن چه با شریعت موافق بود می‌پذیرفتند

<sup>۱</sup> - زرین کوب، ۱۳۸۳، ص ۴۹

<sup>۲</sup> - همان، همان جا

<sup>۳</sup> - زرین کوب، ۱۳۷۳، ص ۲۱

<sup>۴</sup> - همان، ص ۲۲

و آن چه مخالف شریعت بود، رد می کردند. نویسندگان صوفی از خود چیزی نمی گفتند و تنها به نقل و روایت اقوال صوفیان بسنده می کردند تا از تعرض و تهمت شریعت مداران ظاهری در امان بمانند. از مهم ترین نویسندگان این گروه ابونصر سراج و ابوالقاسم قشیری است. این مؤلفان به ندرت عقیده و احساس و مواجید رأی خودشان را ابراز می کردند، اما در بغداد و خراسان کسانی بودند که پس از فهم و بیان سخنان مشایخ، به ذکر عقاید و مواجید خود نیز می پرداختند و فهم خود را از تصوف، بی پروا، به زبان می آوردند و کتاب و سنت را بنا بر فهم و استنباط خود تفسیر می کردند. ابوسعید ابوالخیر از این گونه مشایخ است.<sup>۱</sup> «

### ۱-۳-۱- نثر صوفیه

تا اینجا موضوع نثر و نیز صوفی و تصوف، به طور جداگانه مطرح شد. حال به بررسی آثار منثور می پردازیم که صوفیه با تأکید بر مبانی تصوف، آن ها را نگاشته اند.

دکتر عبدالحسین زرین کوب در کتاب ارزش میراث صوفیه، در باب تنوع آثار صوفیه اظهار می کند که: ادب صوفیه از حیث تنوع و غنا در فارسی و عربی اهمیت خاص دارد. این ادب هم شامل نظم است و هم نثر، هم فلسفه دارد و هم اخلاق، هم تاریخ دارد و هم تفسیر، هم دعا دارد هم مناجات، هم حدیث دارد و هم موسیقی. این ادب وسیع و متنوع گاه با قلمرو ذوق و روح سر و کار دارد و گاه با دنیای عقل و فکر. آن چه با عقل و فکر خواننده سر و کار دارد عرفان و حکمت صوفی است با موعظه و تربیت او. سیرت مشایخ و اقوال آن ها و تأویل قرآن و حدیث و کلام صوفیانه نیز از این مقوله است. اما آن چه با ذوق و روح سر و کار دارد شعر و غزل صوفی است. قلمرو حکمت و عرفان و سیرت و تفسیر صوفی تنها از آن نثر نیست شعر را نیز گاه صوفی وسیله ای برای بیان این معنی می داند.<sup>۲</sup>

دکتر زرین کوب در کتاب دیگر خود، به نام تصوف ایرانی در منظر تاریخی آن، جلوه گاه تجربه های عرفان اسلامی را بیشتر در شعر فارسی مشهود می داند تا نثر. او می نویسد: آثار منثور صوفیان ایرانی، گرچه متنوع تر و متعدد تر است، جذابیت ادبی بسیار زیادی ندارد. این میراث منثور شامل موعظه های صوفیانه، رسالات عرفانی، زندگی نامه ها و خاطرات و مراسلات است که ارزش ادبی متفاوتی دارند. در میان قدیمی ترین نمونه های آثار موفق عرفانی کشف المحجوب هجویری و شرح تعرف مستملی است. این ها حاوی تقریباً همه انواع مطالبی است که می توان در کتب نثر صوفیان دوره های بعد نظیر مصباح الهدایه و مرصادالعباد یافت. در میان انواع فرعی تر نثر ادبی، مراسلات خصوصی بعضی از صوفیه نیز خالی از اهمیت نیست نامه های جنید و نامه های ابوسعید ابوالخیر تحول و گسترش اصول اعتقادی صوفیه را روشن تر می کند.<sup>۳</sup> در ادامه در باب برجسته ترین عرفا و صوفیه سخن می رود.

### ۱-۳-۱- ابونصر سراج

<sup>۱</sup> - حلبی، ۱۳۷۶، ص ۳۴۹

<sup>۲</sup> - زرین کوب، ۱۳۷۳، تلخیص صص ۱۲۸ و ۱۲۹

<sup>۳</sup> - همان، ۱۳۸۳، تلخیص صص ۶۸-۶۶